بازنگری مبحث قصر در منابع فارسی علم معانی

سعید علی اصغر مردانفر

استاد دانشگاه اصفهان

سيدمرتضى هاشمی

استاد دانشگاه اصفهان

حكمت الله صرفی فروشان

چکیده

این مقاله بر آن است تا نشان دهد مبحث قصر در منابع فارسی علم معانی چندان پرسی و منسجم نیست. در این آثار مرز میان جمله‌های مقصور ادبی تعیین نشده است: علاوه بر این، تقسیم‌بندی‌های آن بر اساس اشاره و تسلسل خوانندگی بر قصد متفاوتی با مکاتبه شکل می‌گیرد. نگارنده در این مقاله با تقد و تقسیم‌بندی‌های سگانی کتاب‌های علمی نتیجه می‌گیرد که جملات مقصور حقیقی و غیرحقیقی باید در حیطة زبان و جملات غیرحقیقی و ادبی‌ای باید در حوزه ادبیات پروسی شود و همچنین تغییر در لحن خواندن باشد. تلفظ کلمات، موصوف و صفت با صفت و موصوف آن را تعیین می‌کند و در تهیه قصرهای «افراد، قلب، تعیین» شناخت مکاتبه ضروری است. نهایتاً اینچکانه جملات مقصور در محیطی اندکی جمله و مقاصف نتواند مشخص شده است. در پایان پیشنهاد می‌شود که در آموزش با تجزیه و تحلیل مبحث قصر پنج عوان (موضوع، شناسی ادبی، شناسی، مطالعه، شناسی و غریض شناسی) در نظر گرفته شود.

____________________

a_mir_fard@yahoo.com
s.m.hashemi@ltr.ui.ac.ir
Hekmatallah.safari@yahoo.com

دانشجوی دکتری دانشگاه اصفهان

تاریخ دریافت: 98/10/6
تاریخ پذیرش: 98/10/7
مجله دانشگاه ادبیات و علوم انسانی، سال 38، شماره 18، تابستان 1389

کلیدهای دیگر: علم معنایی، قصر، تقسیم‌بندی های سگانه، خیبر مقصور، انتخاب مقصور.

پیشگام

اصل آن چگونه

علم معنایی یکی از شاخه‌های علوم بلاغی است که کارکرد اصلی آن تفسیرنویسی مطالب سخن با اقتباس حال است. یکی از مباحث مهم علم معنایی قصر است. به همین تاریخ موضوعات و تقسیم‌بندی‌های ناسا موجب شده است که اهمیت این بحث برای خواننده پنهانی بماند. تقسیم‌بندی‌هایی که بر مدار نگرش گوینده به وجود آمده است، یعنی حتماً برای تینین اغراض قصر کلام، یا یک شبک نگرفت و تفکر نویسندگان آشنا

بود یا اینکه مخاطب او را تشخیص داد.

قصر یکی از عوامل تأکید سخن است. باین برای و تغییر مفهوم کارکرد یای

می‌توان به خوبی از طریق یکی از مباحث علم معنایی به تجزیه و تحلیل آثار برداخت. این مقاله می کوشد با اینکه به منابع معتبر علم معنایی، تقسیم‌بندی تازه‌ای در این مبحث ارائه کند. در این تقسیم‌بندی یک چنده مقصود در یک محسور موضوع، محض، ادبیت کلام، نوع چنده و اغراض تنوی بررسی می‌شود. هر گذاری از این محسورها تینین کننده ویژه‌سیما از شبک و شخصیت صاحب اثر است.

نقد و تحلیل در مبحث قصر نشان می‌دهد که شیوه‌های برخی مباحث نقصان دارد و طریق دقیق برای آموزش با تحقیق در مبحث قصر ارائه نمی‌کند. در نتیجه هدف از بازنگری در این مبحث عرضه طریق مناسب از شیوه رایج در منابع بلاغی است؛ علاوه بر آن، نمونه‌های از منون ادب فارسی به عنوان شاهد مثال در زیر همین الگو ارائه می‌شود. نتایج طرح بیش‌ساخته‌ای درباره مبحث قصر و ارائه شیوه‌های جدیدتر را بر محققان اتاق ادبی هم‌اکنون می‌کند. البته نحوه که می‌توان با داشتن الگوی منظم از قصر به بررسی شیوه‌های مقصور کرد کلام، انواع محسور موضوع و مباحث
مختلف قصرشده برداخت و از طریق آن آثار ادبی، بینش سیاسی، اجتماعی، عقیدتی شاعر یا جنبه روشن‌شناسی کلام او را بررسی کرد.

همان‌گونه که مطرح شد، نبودن طرح منظم در قصر موجب شده است این مبحث به‌خوبی مورد توجه محققان و دانشجویان قرار نگرد. در این مقاله کارکردهای مختلف جمله مقصود با توجه به اهداف علم معنایی نسبت می‌شود. محورهای پنجر گان‌های که مؤلفان این مقاله یکدیگر‌کردهند نسبت کننده همین اهداف است. در یک جمله مقصود، موضوع قصرشده در تعیین نگرش شاعر یا نویسنده به مسائل مهم است و با استفاده از قصر» می‌توان خروج یک جمله از حالت عادی و زباین و رسیدن به مرحله جمله ادبی را تعیین کرد. در مخاطبشناسی جمله مقصود این موضوع اهمیت پیدا می‌کند که گوینده در شکل دقیق جمله مقصود با چه تفکر یا احساس و عاطفهای با مخاطب خود برخورد می‌کند که نتیجه آن شناخت حالات مختلف متفاوت می‌باشد. توجه به جمله‌های مقصود است. نهایتاً تبعیض توجه چاپ‌هایی کتاب‌های بیانه به اغراض تناوی، اساس کار علم معنایی است، موجب شده است که کارکرده آن در انتقال معنایی تناوی به‌خوبی مشخص نشود.

چرخاتی دربار «القصر و الاخصاص» معنایی مختلف حروف در شکل گیری قصر؛ را بررسی می‌کند و تجزیه و تحلیل مبحث خود را برآن قرار می‌دهد و نهایتاً نظریه نظم خود را تبعیض می‌کند. قصر در دوران طبقه‌بندی و تلخیص و شرح مباحث علم معنایی، یعنی دوره مقبره مفتوح/علوم و اختلاف آن در فصل «استاد خبر قرآن می‌گردد. مقول تفانیاتی که از گستره‌های شروع این دوران است که مبحث قصر را در ابعاد مختلف تبعیض می‌کند. مثال به این‌ها در الانتوان (1473) درباره طرح قصر مباحث مفصل طرح شده است. این موضوع همراه با مباحث دیگر علم معنایی در کتاب‌های
بلاگی فارسی چون در خود حساب علمای آق آوی (۱۳۱۵)، هنرجو گفتار نصرالله تقوی (۱۳۱۷) و مطالعه/بلاگ‌های محمد جلال‌الدین رجبی (۱۳۴۰) جای می‌گیرد. شیوه تفکیکی و ترجمه‌ای و پیروی از آثاری چون مطرح تفکرانی بر ساختار آثار فارسی حاکم است و در موضوع مورد بررسی تلف نمونه‌هایی از اشعار فارسی نواری قابل ذکر این کتاب به حساب می‌آید. در بعضی از شروح فارسی مختصر/مفتاحی چون کرانه‌ها (عفوان، ۱۳۷۲) نکاتی بر اصل متن افزوده شده است.

علاوه بر این، در کتاب‌هایی چون از نیوین-شناسی به ادبیات کووشر صفیوی (۱۳۷۳)، تاریخ و تطور علم بلاغت (۱۳۸۳) و مقالاتی مثل اجایه، راهب‌یار مقتنعی جالاب در نظریه‌های ادبی استنبیل و نوین (۱۳۸۵)، از نگاهی انتقادی به مبانی نظری و روش‌های بلاغت استنبیل (۱۳۸۶)، بررسی نظریه ارتباط کلامی پاکویس در علم معنایی (۱۳۷۸) و بازارک از علم معنایی و نقد برداشت‌های رایح از (۱۳۸۸) در کتاب دیگر مباحث علم معنایی موضوع قصر طرح شده است.

در مبانی این تحقیقات آثاری چون جمله و تحویل آن در زبان فارسی (۱۳۸۴)، درباره ادبیات و نقده‌ادبی (۱۳۷۳)، مسئله درست و غلط، نگارش و پژوهش در زبان فارسی (۱۳۸۷) با نگاهی جدیدتر این موضوع را بررسی می‌کند.

۲. تعریف قصر

و همگی از الفبای حسس و فن الأصالت تخصصی یکیست به بیانی، بطوری مخصصی، تفکرانی (پی‌تایی: ۸۷). این عبارت کاملترین تعیین این که از قصر به دست داده‌اند. صاحبان جوهر بلاغت (۱۳۷۹) و مطالعه/بلاگ‌های (۱۳۷۹: ۱۳۱) هم‌اکنون، تعیین را آورده‌اند. اما در مبانی متأخر دیگر مثل هنجارگفتار (۱۳۳۳: ۹۹)، مبانی بیان آنی (۱۳۶۰: ۸۳) و طراحی سخن در معنی‌ها و بیان (۱۳۸۲: ۹۲) به‌جای این یکی، از کلمات
این مراحل برای توضیحات بیشتری از قسمت‌های مختلف کتاب استفاده می‌شود. نتایج صحبت در میان کلام و نیز نتایج استر در میانی کلام ذکر شده و نتایج حکم استر مراجعه‌ای به‌دست آمده.

از تعاریف مشکور برای آن که قصر بر ابیات و نفی تکیه دارد. ابیات آن با اختصاص دادن امری به امر دیگر است و نفی حکم به‌وسیله خارج کردن امری از محدوده امر مخصوص شکل می‌گیرد. کسبی این تعریف در فراگیر بودن آن است که تمام حوزه زبان را در برمی‌گیرد. به عبارت دیگر، ارتباط جملات مخصوص با علم معنوی به‌روشی تبیین نشده و ویژگی بررسی معنوی، یعنی اقتضای حلال در تعیین قصر، لحاظ نگرده است. یک‌نیز جهت لازم است که علاوه بر مفهوم عمومی قصر، اختصاص امری به امر دیگر است، به چنین‌های قصر بر تعیین حلال در حوزه علم معنوی توجه شود و با برخی‌های کردن خاصیت جملات مخصوص در تأثیر کلامی بر مخاطب و ارتباط سریع‌تر با او اهمیت قصر در علم معنا تبیین گردد.

یکی از اهداف اصلی قصر مؤکد در کلام است و با بهره‌گیری از آن می‌توان کلام را برچسب کرد. فرشیدورد به این موضوع با شکلی نازه می‌گوید و در تعریف تهاکیده می‌گوید: «آن است که سخنی را اعماق از کلمه یا جمله یا گروه یا نیز سوالین دستوری یا معنا بی‌فتحه به متن‌های نیز درباره قرار دهیم و به آن شدت با کمال یا روشی بخشی» (فرشیدورد، 1382: 187). با توجه به تعریف می‌توان گفت: قصر آن است که به وسیله شیوه‌های قصر، جزی یا حکمی، به امری تخصصی با احصایید که و کلام مخصوص در راستای هدف اصلی علم معنایی به مشخصی حال مخاطب و مناسب با اوصاف و احوال موضوع نفل شود و به کار رود.»
3. تقسيم‌بندی قصر

خطاب فرزند در {الفبای فارسی} تقسيم‌بندی مستقل قصر را منظم‌تر از سکاکی با تقسيم به حقيقی قصر و غيرقيقی قصر آغاز می‌کند (فرزند، 1411: 142) و از آن طریق وارد مطالعه تفاضلات می‌شود. کتاب‌های بلاغی عربی و فارسی بعد از آن مطالعه تفاضلات را نقل کرده و سه نوع تقسيم‌بندی یعنی {حقيقی قصر و غيرقيقی قصر، موضوع و صفت و صفت و موضوع و افراد، قلب، تعین} را تشریح کرده‌اند.

3.1. حقيقی قصر و غيرقيقی قصر

حقيقی و غيرقيقی اصطلاحی است که از طریق تلخیص/الفبای مطرح می‌شود و از آن پس، در دیگر آثار بلاغی به کار گرفته شده است. صحاح مطلب علاوه بر طرح و شرح این موضوع، عدم تصور سکاکی به این نوع تقسيم‌بندی را نیز می‌کند (تفاضلاتی، 1374؛ 161). اهمیت نقد و بررسی این تقسيم‌بندی در تبین ارزش و جایگاه آن در علم معنای است. در این تقسيم‌بندی، دیدگاه گوینده نسبت به امر مطرح می‌گردد. وقتی که گوینده موضوع خود را به شیوه مطلق قصر گرداند و کسی یا چیزی را در پیش قصر مطرح می‌کند، قصر حقیقی شکل می‌گیرد و عكس آن، قصر غيرقيقی یا اضافی است که به طور نسبی ویژگی مطرح در نظر گرفته می‌شود. مشکل اساسی دسته‌بندی مربوط به قصد گوینده از جهت حقیقی و غيرقيقی بودن فهم آن است بسیاری از مؤلفان کتاب‌های بلاغی با تکیه بر موضوع سخن، قصد گوینده را تبین می‌کند و به استناد شاهد که غالباً درباره صفات خداوند است و موادی نمونه کامل هر صفتی را خداوند می‌داند، حقیقی یا غيرقيقی بودن
قصر را معین می‌سازند. مثالاً عباراتی چون "الا معبود بحث الا الله" (خسروی، 1370: 149) و "الامیرین فی الوجود الا الله" (رجایی، 1379: 12) در بحث قصر حقيقی قرار دارند. بعضی از اهل بیان از قصر حقیقی به نام ادعا بالغه می‌کنند که اضافه کردن واژه "ادعا" به قصر حقیقی کاررا ساده تر می‌کند و می‌توان گفت گوینده ادعای حقیقی و واقعیت می‌کند و بعد از آن موضوع خود را مقصور می‌سازد.

با دقت در نوع اخیر و شواهد آن استثبات می‌شود که شاعر یا توهینده به هرچه عشق بوزند یا از آن نفرت داشته باشد با چشمی مطلقة نگر نظر می‌کند و برحس ادعا، تصویر و برداشت خود را دربار موضوع حقیقت و واقعیت می‌داند و همین اغرای و ادعا موجب می‌شود که من شیبه ادبی پیدا کند.

نیست عاشق گشتن الا بودن بینانهوار اولن قرب و مياه سوختن، آخر فناء

(خضافی، 1383: 1)

آهنه این بیت و بیت بعدی را از نمونه‌های قصر حقیقی ادعا می‌کند (مدافوی، 1383: 83).

چند پرسي که بندگی چه بود، بندگی جز فکرگذگی چه بود

(ساداتی، 1386: 26)

نکته اساسی این بحث گوینده مدار بودن آن است. امر از حقیقت آن است که در آن حقیقت و نفس الامر ملاحظه شود بدین توجه به اعتقاد مخاطب، (رضوانزاد، 1379: 278). همین امر تعيين نوع قصر را دیجی است که است.

چندین ساده نیست که با دقت در یک مصراة یا یک بیت بیشتر قصر را تعیین کرده؛ با باید به قصد و نیت مستلزم از طریق بافت و موافقن کلام آگاهی بافت، یا از طریق آشناپی که با سنت‌های ادیبی و موتیف‌های آن وجود دارد، مطالب برداشت خود حقیقی و غیرحقیقی بودن آن را مشخص کرد.
تعیین حقيقی و غیرحقیقی بودن قصر در متن تفسیری قرآن بسیار مهم است؛ حجت
هدف آن کتابها تبیین دقیق‌ترین معنی از کلام وحی است و به انتخاب آیات و
روایات، تعیین قصر از نظر حقیقی و غیرحقیقی ضروری می‌نماید؛ اما قصر حقیقی در
ادبیات با قصر حقیقی دوی تمایز دارد. این ادبیات در اثر ابعاد و اخلاق استوار
است و هرچه از واقعیت دورتر باشد، هنری‌تر می‌شود، بدین جهت بسیاری از قصر‌های
ادبی که قصر حقیقی خوانده می‌شود، در واقع بر ادعای استوار است که حقیقت
می‌نماید و قصر حقیقی در متن دینی بر حقیقت استوار است و عاری از ادعای است.
تأمل در این بحث بی‌بدین جهت اهمیت سبیل دارد که با تبیین قصر‌های حقیقی ادعایی
می‌توان معلوم کرد که شاعری یا نویسنده بر چه موضوعاتی تمرکز داشته است. برعرسی
آماری موضوعات مقصر در حوزه ادعای حقیقت، شاخه‌ای برای تحلیل تفکر
پدیدآورنده اثرات ادبی است.

3. قصر موضوع و صفت با صف و موصوف

اساس دومن دست‌بندی قصر در کتابهای بلاغی بر ساختار جمله مقصور استوار است،
یعنی با جای‌گاه موضوع و صفت نوع آن تغییر می‌کند. مانند: 
کتاب از این رواج به کتابهای بلاغی درباره قصر موضوع و صفت و صفت و موصوف است.

این نوع جملات بر ساختار ظاهری استوار است، یعنی با جای‌گاه کلمات نوع آن
تغییر می‌کند؛ دقیقه‌ای که به آن کمتر توجه شده است و غالباً به جای یک جمله به آن،
بحث صفت و موصوف را با باشک حقيقی و غیرحقیقی یا افراد و قلب و تعیین
در آمیخته‌اند. در این بحث، مقدم و تأثیر بهره‌های جمله در تعیین نوع قصر خیلی
است. پس، از این است ابتدا ترتیب‌های عمیق برای کلام تعیین شود و بر

زبان و ادبیات فارسی، سال 18، شماره 88
بازنگری مبحث قصر در مبانی فارسی علم معنی، صفحه 185-209

اساس آن، نوع قصر تعیین شود. در جملات عادی چون ما زیرا کتاب یا ما کتاب والا
زید ترتیب کلام مشخص است و به راحتی می‌توان از طریق تعیین مقصور با صفت،
نوع آن را مشخص کرد؛ اما در بعضی از جمله‌ها، مخصوصاً جمله‌هایی که در شعر
شکل می‌گیرند، گاهی هم ترتیب کلام به هم می‌خورد و هم امر مقصور حذف می‌شود؟

مثال:

نیست بر لوح دلم چژ اگر قامت یار
چه کسی حرف دگری‌داده استفاده
(حافظ، دیوان: ٢٥٣)

در این مثال مقصور علیه «الف قامت یار» و مقصور کلمه‌ای محدود است، یعنی
الف قامت یار بر لوح دلم

خط و نوشته‌ای چژ مقصور علیه

نیست.

در مرحله بعد، تعیین صفت یا موصوف بودن یا می‌باشد اهمیت دارد؛ چیزی که کمتر به
آن توجه می‌شد است. با دو مثال معروف، یعنی یک نظیر الکتاب و یا کتاب الکتاب والا
به راحتی معلوم می‌شود که جمله اول موصوف و صفت و جمله دوم صفت و موصوف
است. چون مفهوم اسمی در کلمه الکتاب و مفهوم صفتی در کتاب به‌سادگی درک
می‌شود؛ اما ممکن است در جایی مقصور و مقصورعلیه هر یا مفهوم اسمی داشته
باشند و تعیین موصوف و صفت دشوار باشد، مثالاً طريقت و خدمت خلق، کدامیک
می‌باشد؟ موصوف و یا کدام صفت است؟

طریقت به چژ خدمت خلق نیست به نیبی و سجاده و دلقت نیست

(سعدی، ١٣٧٢: ٥٢)
در این مثال، اطلاعاتی و اطلاعاتی که در صفحه پنجم قرار گرفته‌اند، به هر دو مفهوم اصلی دارند و صفت بودن آن در آن نیز توان کلید این همین موضوع درباره اطلاعات محقق و اطلاعاتی که به عنوان قرار صادق است و مشخص نیست که دیدگاه یکی از مفسران می‌گیرد: نباید چنین مفسران محقق، نباید چنین مفسران محقق.

(پژوهش، 1386: 238)

نهایتاً، اگر آهنگ و تکیه کلام نوع قرار را نگیریم، من در جملات مفصولی که با ادای شمال درناها ساخته شده باشند و مقصوری مفصول دستوری باشد، می‌توانم یکی از ویژگی‌های مفصول را بپذیریم که با تکیه‌دار کردن مفصولی پی ادای قرار، مفهوم جمله تغییر می‌کند. در شاهد زیر: شاعر فقط صفت دستوری است.

**حافاظ**

شاعر

قطع

صفت دستوری

**مفسران**

اگر تکیه بر روی هجا دوم کلمه «حافاظ» قرار گیرد، صفت مفصول در صفت است، اگر هجا دوم (قطع) باشد، صفت و تکیه نظاهر شود.

**حافاظ**

قطع شاعر است (نه دیگران)

و اگر تکیه بر روی هجا دوم کلمه فقط باشد، صفت مفصول این که پی ادای قرار دارد کردن آن مفهوم جمله با جمله قابل فرآیند می‌کند.
با این قاعده در جایی که مقصوری به صفت دستوری، به‌عنوان کلماتی مثل شاعر، کتاب و نویسنده باشد، معلوم تر است، جوان بجای آن کلمه تغییر نوع قصر را پیدا می‌کند و اما در جملاتی که دو طرف مفهوم اسیمی دارند بايد از قصر مطابق رفع این مشابه به کار برده شود. برای مثال در جمله: اندکی فقط اینکه فقط مفهوم مصدری دارند. با تکیه‌دار کردن هرگز یا ناپاتسبان کلمه اینکه فقط اینجا منتقل می‌پدید که اینکه فقط اینکه فقط این موضوع به نظر می‌رسد: این‌ها چگونه یک انسان را به مرحله بندگی می‌رساند: اینکه فقط این فقط این فقط این فقط این فقط این فقط این فقط این فقط این فقط این فقط این فقط این فقط این فقط این فقط این فقط این فقط این فقط این فقط این فقط این فقط این فقط این فقط این فقط این فقط این فقط این فقط این فقط این فقط این فقط این فقط این فقط این فقط این فقط این فقط این فقط این فقط این فقط این فقط این فقط این فقط این فقط این فقط این فقط این فقط این فقط این فقط این فقط این فقط این فقط این فقط این فقط این فقط این فقط این فقط گرفته و محیط دقيق موضوعها و صفت‌های را تعین کرده‌اند نهایتاً محقی ادبیات را یافت می‌کند نهایتاً محقی ادبیات را یافت می‌کند نهایتاً محقی ادبیات را یافت می‌کند نهایتاً محقی ادبیات را یافت می‌کند نهایتاً محقی ادبیات را یافت می‌کند نهایتاً محقی ادبیات را یافت می‌کند نهایتاً محقی ادبیات را یافت می‌کند نهایتاً محقی ادبیات را یافت می‌کند نهایتاً محقی ادبیات را یافت می‌کند نهایتاً محقی ادبیات را یافت می‌کند نهایتاً محقی ادبیات را یافت می‌کند نهایتاً محقی ادبیات را یافت می‌کند نهایتاً محقی ادبیات را یافت می‌کند نهایتاً محقی ادبیات را یافت می‌کند نهایتاً محقی ادبیات را یافت می‌کند نهایتاً محقی ادبیات را یافت می‌کند نهایتاً محقی ادبیات را یافت می‌کند نهایتاً محقی ادبیات را یافت می‌کند نهایتاً محقی ادبیات را یافت می‌کند نهایتاً محقی ادبیات را یافت می‌کند نهایتاً محقی ادبیات را یافت می‌کند نهایتاً محقی ادبیات را یافت می‌کند نهایتاً محقی ادبیات را یافت می‌کند نهایتاً محقی ادبیات را یافت می‌کند نهایتاً محقی ادبیات را یافت می‌کند نهایتاً محقی ادبیات را یافت می‌کند نهایتاً محقی ادبیات را یافت می‌کند نهایتاً محقی ادبیات را یافت می‌کند نهایتاً محقی ادبیات را یافت می‌کند نهایتاً محقی ادبیات را یافت می‌کند نهایتاً محقی ادبیات را یافت می‌کند نهایتاً محقی ادبیات را یافت می‌کند نهایتاً محقی ادبیات را یافت می‌کند نهایتاً محقی ادبیات را یافت می‌کند نهایتاً محقی ادبیات را یافت می‌کند نهایتاً محقی ادبیات را یافت می‌کند نهایتاً محقی ادبیات را یافت می‌کند نهایتاً محقی ادبیات را یافت می‌کند نهایتاً محقی ادبیات را یافت می‌کند نهایتاً محقی ادبیات را یافت می‌کند نهایتاً محقی ادبیات را یافت می‌کند نهایتاً محقی ادبیات را یافت می‌کند نهایتاً محقی ادبیات را یافت می‌کند نهایتاً محقی ادبیات را یافت می‌کند نهایتاً محقی ادبیات را یافت می‌کند نهایتاً محقی ادبیات را یافت می‌کند نهایتاً محقی ادبیات را یافت می‌کند نهایتاً محقی ادبیات را یافت می‌کند نهایتاً محقی ادبیات را یافت می‌کند نهایتاً محقی ادبیات را یافت می‌کند نهایتاً محقی ادبیات را یافت می‌کند نهایتاً محقی ادبیات را یافت می‌کند نهایتاً محقی ادبیات را یافت می‌کند نهایتاً محقی ادبیات را یافت می‌کند نهایتاً محقی ادبیات را یافت می‌کند نهایتاً محقی ادبیات را یافت می‌ک zd
جمله مقصور است. گوینده به شکل ادعایی و اغراق آمیز مفهومی را مقصور می کند و از طریق آن فرآیند کلام خود می افزاید. این نکته بکی از اهداف اصلی علم معنا

است.

3. قصر افرد قلب تعیین

سومین دسته بندی قصر افرد قلب تعبین است که برای توجه به مخاطب تدوین می شود. وقتی که متن مقله مقصور را به کار می بریم، می توان آن را به دو

حالت تقسیم و تعیین گرد کرد: اول اینکه گوینده خود را مخاطب قرار می دهد و بدون توجه به مخاطب فرضی با واقعی پیرون از وجد خود، جمله مقصور بیان می کند. که در

ردیف جملات مقصور حقیقی و غیرحقیقی یا موضوع و صفت بررسی می شود. در

حالت دوم، مقلک مخاطبی را در نظر دارد که بر اساس دیدگاه او نسبت به موضوع،

جمله مقصور خود را بیان می کند. این امر موجب شکل گیری قصرهای افرد قلب و

تعیین می شود.

در این دسته بندی، مخاطبان شاعر یا نویسنده نقش مهمی بر عهده دارند. تشخیص

نوع مخاطب در مسیر کار دشوار است و تجزیه و تحلیل کلام را می طلبد. اگر بتوان

از طریق بهبود کلام مخاطبان جمله مقصور گوینده گان را مشاهد نمود و تجزیه و تحلیل

نگرش مقلک بسیار مؤثر است. قصر تعیین عام بر از دیگر قصرهای است. به تعبیر دیگر

تام جمله مقصور در رشته قصر تعیین قرار می گیرد، چون در حالت های عادی

و طبیعی زبان، مقلک برای اطلاع رسانی به مخاطب جمله مقصور خود می کند؛

اما در قصرهای افرد و قلب حالت تردد و اکثر وجود دارد. به نظر بکنی مقلک به

نظر گوینده مورد است که با قصر افرد، تردد مقلک می رود، یا منکر است که با

قصر قلب، نظر انکاری مقلک نادیده اگرشته می شود.
بازنگری میثاق قصر در منابع فارسی علم معاصر، صفحات 185-190

به هر صورت، این دسته‌بندی از طریق اوضاع و احوال کلام معنی دار است و در حالت عادی برای یک جمله مقصور هست که را می‌توان در نظر گرفت، مگر اینکه قرآن لفظی به معنی بر یکی از قصه‌های مذکور تأکید داشته باشد. پایه و اساس این دسته‌بندی نشان‌یاد، کلام استوار است، موضوعی که بیشتر از طریق سخنان شخصیت‌ها و عناصر درون متن امکان‌پذیر می‌شود و در بسیاری از متن‌های ادبی، که حديث نفس شاعر است، و مخاطب برون‌کلامی وجود ندارد، دست‌بایی به مقصد و منظور متعلق دوبار است. برای مثال، پیت زیر را تقوی (1343: 94) قصر قلب به حساب آورده است و علی‌مقدم (1381: 74) قصر تعیین.

من تکرمقل خلق تا سودی کنم، بلکه تا بر بندگان جویدی کنم.
این مطلب خود نشان‌های بر دریافت منفعت خوانندگان از مخاطبان فرضی شاعر، است. در بعضی از نمونه‌ها در نوع قصر اتفاق نظر وجود دارد، به طوری که پیت زیر را علی‌مقدم (1381: 74)، صادقیان (1382: 94) و کرزاوی (1385: 189) قصر قلب به حساب آورده‌اند.

به جز آن که تنگ‌مسته که جشن‌مرداد، زیر این طارم بهره‌کسی خوش‌نشست

۴. ارتباط قصر با اعمال جمله خبری و انشایی
قصر از مباحثی است که در کتاب‌های بلاغی به عنوان یک فصل یا باب در پایان مباحث و بیشتر آورده می‌شود. این مهم در این است که با قرار گرفتن قصر، در این جایگاه، جنین تصور می‌شود که قصر مخصوص جمله‌ها خبری است. زیرا در فصل انشای موضوعی به نام قصر وجود ندارد. تفانتزای در پایان میثاق انسان می‌گوید: "الانشای کالخیر، در کشور از ماما ذکر فی این دلایل، خصوصی به عنی‌الاحوال الاسباد والمستادیه والمستنده متعلقات الفعل والقصر (1345: 195). در ادامه توضیح می‌دهد تمام
احتمال خبر جوی تعریف، تذکر، حذف، ذکر، تکذیب و تأخیر و قصر درباره جمله‌ها

انتشار صدق می‌کند، به نظر امید که احوال مشترک بین خبر و انشاء با دور بهتر
در رزه‌خواری، جستجو شود.

سخن تفتازانی اثبات می‌کند که "قصر خصیصه" است که می‌توان آن را در انواع
جمله به کار بست؛ اما بدان جهت که رابطت‌نوع جمله، خبری است، این موضوع
در ضمن مبحث خبر بررسی می‌شود.

اگر مبحث خبر و انشاء به چهار مقوله خبری، پرسشی، امری (مشت و منفی) و
عاطفی (نداشی، نعجی، تنمنی) تقسیم شود، به غیر از جملات خبری، که اساس مبحث
قصر است، شواهد بسیاری از جملات پرسشی و امری و نهی و وجود دارد که به کمک
ادات قصر "مقصور شده" است. طرح این بحث از آن جهت اهمیت دارد که می‌توان با
اضافه کردن جمله‌های خبری و انشایی مقصور به انواع جمله در کشف مقاصد ناوانی
جملات گونه مقصور جمله را در نظر گرفت و با شیوه منظم تر جملات مقصور را در
آثار ادبی بررسی کرد.

1. خبری مقصور

رابطت‌نوع قصرشده در این جمله خبری است که یکی از عوامل تأکید جمله، علی
قصر، آن را مؤکد می‌کند.

جوان نشت یی سرودن و چو در جنگ آمدن
(خلاقانه، ۱۳۸۸: ۱۷۴)

2. پرسشی مقصور

در این نوع که غالباً همراه استفهام اکتی است، در جمله ادات قصر به کار می‌رود. در
این جملات دو عنصر موجود تأکید سخن می‌شود: یکی همان استفهام کلام است و
دیگر ادات قصر. به کمک این دو عنصر شاعر بلغ تر و مؤثرتر پیام خود را به خواننده انتقال می‌دهد.
چون قدمن بانگ بر ابلق زند چژ تو که یار که اناالحق زند
(نظامی، 1380: 7)

۴. امیری (مثبت و منفی) مقصور
در جمله‌های امر و نهی حالت استعیابی وجود دارد که با اضافه کردن ویژگی قصر بر تأکید کلام افزوده می‌شود.
دل اندر جهان آفرین بند و بس
جهان ای پر ادر نامند به کس
(سعدی، 1381: 12)
قدح مگر چو حافظ مگر به نالد چنگ
که بسته ده ابرشم طرب دل شاد
(حافظ، 1381: 142)

۵. ساختمان جمله مقصور
 غالباً آغاز آموزش قصر در متن بلاگی آموزشی، یک جمله بسیط خبر است: معاوْم
السیئه (صادقیان، 1382: 92) و بهرام جز بهلوان نیست (کرزاوی، 1385: 1). اما در توضیح و تشریح انواع قصر به جمله‌های جدیدی یا مکرک (فرشیدورد، 1382: 129) هم استفاده می‌شود: زیبای شاعر لا منجم (سکاری، 1936: 139).
نام جز آن کس نگوگی مین که در روی من گفت آسوسی من
(نقوی، 1382: 92)
همیشه این موضوع در تعیین محدوده قصر کلام است. یعنی اینکه شاعر یا نویسنده چه اندازه از قصر استفاده می‌کند. گاهی با یک جمله ساده کوتاه و یزدی قصر در کلام بارز می‌شود و زمانی با یک جمله مکرک بلند. قصر در جملات بسیار کوتاه به سادگی
در مثل‌که‌ای زیر می‌توان جمله‌های مربوط به مشنار قرر می‌خواهد کرد.

اندر چه اثر اسیرنرد تا اید
پایه
پیرو
(خاطرات، ۱۳۸۸: ۱۴۲)

مشن خلاف‌شان که جز ابیسی فن نیست
پایه
پیرو
(خاطرات، ۱۳۸۸: ۱۴۵)

وقتی که در جمله مربک، پایه‌ای پاییز بودن جمله مخصوص تعیین شده با ماه‌ینه تولید کرده بود که در جمله‌های کوتاه فقط عامل قصر موجب تأکید کلام می‌شود، اما در جمله‌های زعیم، جمله مخصوص جمله‌واره دیگر بسیار می‌تواند باشد. این مطلب اثبات می‌کند که در جمله مربک فقط قصر
موجب تأکید کلام نمی‌شود، بلکه باید عوامل دیگر را در نظر گرفت.

نتیجه بحث این است که قصر بی‌کی از ساختارهای زبان به حساب می‌آید و لازم است
ارتباط با این مبحث در علم معانی آشنا با باخت‌های انتخاب انواع جمله مخصوص در زبان‌ها است.
همان‌گونه که در کشف مقادیر ثانوی کلام باید انواع جمله خبری و انتخاب‌ی شناخت.

۱. مقادیر کاربرد قصر

همیشه این بحث در دل محققان ماته انتقال معانی ثانوی از طریق جملات مخصوص است. در ذلی تفسیرگی سیگانه قصر، معنی حقیقی و غیرحقیقی، صفت و موصوف و
موصوف و صفت، افراد، قلب و تعیین اعضا ثانوی را می‌توان استیاب کرد. اما بخش
مستقیل به نام اعضا ثانوی جمله‌های مخصوص در کتاب‌های معانی تدوین نشده است.
بازنگری مبحث قصر در منابع فارسی علم معانی، صفحه 185-189

ت nærی شمسی بخشی به نام "مقاصد کاربرد قصر؛ تنظیم کردن است که اغراضی چون مبادله، ترغیب و تشوق، تحقیر غیرمفسور، طنز و مسخره، جلب توجه و تأکید؛" (شمسی، 1382: 130) را برای قصر بر می‌شمارد.

بسیار ضروری است که اهمیت مبحث "قصر" در انتقال معانی ثانوی به بین شود. حال اگر پذیرفته شود که "قصر" یکی از ویژگی‌های کلام است، پس علاوه بر جملات خبری، جمله‌های انشایی هم از این ویژگی برخوردارند و بررسی اغراض ثانوی کلام مفسور ذیل هریک از انواع جمله شکل می‌گیرد. به بیان دیگر، در تفسیر‌بندی انواع جمله، "گونه مفسور" به هریک از آن‌ها اضافه می‌شود و لزومی ندارد مباحث قصر در فصل مستقل قرار گیرد؛ بلکه در بررسی جمله‌های خبری، پرسشی، امری گونه مفسور، آن‌ها تجزیه و تحلیل می‌شود. بدین ترتیب، هم گاهی خالی جملات مفسور در انواع جمله بر می‌شود و هم بررسی مقاصد ثانوی کلام بسیار متفاوت به شکل می‌گیرد.

برای مثال در بیت زیر تمام مباحث طرح‌شده درباره قصر در بین مرحله بررسی می‌شود:

قدح مگیر چو حافظ مگر به نالسه چنگ که بسته‌اند پر ابروئم طرب دل شاد

(حافظ، 1382: 147)

1. شاعر شیخان ناله چنگ را مهم و موجب شادمانی می‌داند؛ یعنی دفع شعر شاعر در این جمله مفسور، برخاستن شرب خوابی همرآهم بوسیله است و هرچه به‌ساده جمله‌های مفسور در این موضوع پیش‌تر باشد، اهمیت آن در نظر حافظ پیش‌تر بوده است.
۱. حافظ با قصر حیقی ادعایی معنادید است که فقط با ناله چنگ شراب بنوش و با این ادعا، جمجمه خود را از حال عادی به ادبی تبدیل کرده است؛ به عبارت دیگر، ادعای دور از حقیقت حافظ جنبا بلاگی و اغراق کلام را زیادتر می‌کند.

۲. زنی گروه مختلط برای این شرایط می‌توان در نظر گرفت: کسی که تأثیر ناله چنگ آگاه نیستند (قصر تعین)؛ گروهی که در تأثیر ناله چنگ مردد هستند (قصر افراد) و دسته‌سوم کسانی که تأثیر ناله چنگ در شادمانی را بیرون ندارند (قصر قلب). در صورتی که بتوان به استناد مدارک تاریخی مطابق با یک بیست و امیال آن را تعیین کرد، میزان ارادة با اعتراض نسبت به حافظ مشخص می‌شود.

۳. جمله امری منفی (نه) مخصوص به وسیله یک جمله یا اسناد است که کلام را تکمیل شده است. اهمیت این جمله از نظر مرکب یا ساده بودن در این است که حافظ به وسیله یک جمله مربوط (بابا و سایر) علاوه بر عامل قصر در مصراوع اول یا جمله یا پایه از عامل استناد در مصراوع دوم با جمله یا اسناد استفاده کرده است و این بهره‌گیری از استناد تأثیر قصر کلام را زیادتر کرده است.

۴. ترغیب و تشویق مخاطب غرض ثانوی آن است، یعنی حافظ از قصر بهره گرفته و خواسته مخاطب را مشتاق و علاقمند به بیروی از نظر چنگ کند.

۵. پیشنهادها

۶. «قصر» چه در زیرمجموعه انواع جمله قرار گیرد، چه در فصل مستقلی بررسی شود، بهتر است مراحل زیر درباره یک جمله نکاتی از چندفعی در نظر گرفته شود:

۱. یا دقت در جزء مقصور کلام، نگرش متقابل به موضوع «مقصور» نیت‌بند گردد؟

۲. یعنی در این مرحله آن موضوعی مهم است که به وسیله شیوه‌های قصر کلام مورد توجه
بازنگری مباحث قصر در منابع فارسی علم معانی، صص 185-189

مکمل قرار گرفته است. بخش مقصور یک جمله به‌خوبی نگه‌دار مکمل را به آن موضوع نهان می‌دهد. با بررسی‌های بسامدی و آماری موضوعات مقصور در آثار ادبی، جنبه‌های گوناگون فکری و سیاسی شاعران و نویسندگان تیپی می‌شود.

در این حال، مکمل احساسات و عواطف خود، بعنی مدح و تبعیض با ذم و تحقیق، را به‌کمک قصر به‌مختل انقلاب می‌دهد. این جا، فارغ از نوع جمله بی‌مقصود نانوی کل جمله، فقط بخش مقصور کلام با موضوع مورد توجه گوینده بررسی و نهایتاً منجر به تحلیل فکری مکمل می‌گردد. از این تحلیل می‌توان جنبه‌های مختلف روحی، روانی، اجتماعی و... شاعر با نویسنده را دریافت. مثلاً بررسی محتوای موضوعات مقصور در دو حافظه می‌توان حساسیت ای را به موضوعات مختلفی ترکیبی کرد.

با این شیوه، از طریق قصر در علم معانی سبک صاحب اثر تجزیه و تحلیل می‌شود. تقسیم‌بندی مصوص و صفت و صفت و موضوع در کتاب‌های معانی به صورت کلی و مبهم به همین موضوع اشاره دارد.

1. روشن شود که قصر بر مدار واقعیت شکل گرفته است با بر محور اغراق و اعداعگر مبتنی بر واقعیت باشد، یک اثری از ویژگی‌های طبیعی زبان است که در زبان روآورده محرم جمله‌های مقصور واقعی به کار می‌رود و بررسی آن مربوط به دستور زبان است. اما اگر متقسی بر ادعا و اغراق باشند در حوزه علم معانی قرار می‌گیرد.

و منجر به شکل گیری قصر حقیقی و غیرحقیقی می‌شود. بدون توجه به نام‌گذاری‌های منابع علم معانی، قصر ادبی به حساب می‌آید که بر محور ادعا و اغراق باشد، یعنی غیرواقعی جلوه کند. در این مرحله، اول‌اً از طریق غیرواقعی و ادعایی بودن قصر، ادبيات جمله‌های مقصور تعیین می‌شود و ثانیاً از طريق بررسی بسامدی قصص‌های ادعایی، یک اثر ویژگی‌های سیاسی آن نمایان می‌گردد.
3. اگر بتوان از طریق بافت و موقعیت کلام، نوع نگرش مخاطب را به کلام مقصود تعیین کرد، بسیار موافقان، معترضان و مخالفان مدنی مطلب به دست می‌آید که نهایتاً از نظر تحلیل شخصیت شاعر و محیط زندگی او ارزشمند است. غیر از این، وظیفه اصلی علم معاونی، با انتقال مفاهیم و معناً به مخاطب، سریعتر شکل هم گیرد. این بخش در کتاب‌های علم معاونی با عنوان قصه‌هایی افزار، قلب، تعیین، مطرح می‌شود.

4. در این مرحله، تعیین نوع جمله اهمیت دارد؛ بنابراین جزی مقصود در چه نوع جمله‌ای قرار گرفته است، بدین ترتیب، با انتخاب انواع جمله (خبری، پرسشی، امری، صورت منفی و منفی) ویژگی قصر بررسی می‌شود.

در این مرحله اگر جمله مقصود با یک فلعلام خود را انتقال دهد بسیط به حساب می‌آید. در غیر این صورت، جمله با جمله‌های دیگر مکمل انتقال پیام می‌شوند و
جملات مربک مقصور را می‌سازند که تبعین جمله مقصور منابع برای بررسی مراحل دیگر است.

۵. مرحله پنجم، تعیین اغراض ثانوی جمله مقصور است. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های علم معنایی، تعیین اغراض ثانوی جملات است. در آخرین مرحله بررسی جمله «مقصور» با یاد «غرض یا معنی ثانوی» کلام مشخص شود. در این مرحله اساس بررسی اغراض همان تقسیم‌بندی جمله‌ها به خبری و انشایی است. با این تفاوت که ویژگی «قصر» به آنها اضافه می‌شود.

پس جمله مقصور در پنجم جهت ارزش و اهمیت بیدا می‌کند: تعیین و تبیین موضوعات مورد توجه متقشم، تبیین ادبیات کلام، شناسایی مخاطبان متقشم، چاپ‌گاه قصر در انواع جمله، کسب و درک اغراض ثانوی.

8. تیپ‌های گیری
مبحث قصر در کتاب‌های بلاغی طرحی روشن‌مانده و منظم ندارد. به علت آمیختگی بخش‌های مختلف و تبیین نشانده اهمیت قصر توجه به تقسیم‌بندی منظم در این
کتاب‌ها نشده و بیشتر «قصد و نیت متکلم» در شکل گیری آن مؤثر بوده است. در این مقاله به این نتیجه رسیدم که باید از مناظر مختلف به جملات مقصور توجه شود تا زمینه نجیب و تحلیل ویژگی‌های فکری، زبانی و ادبی اثر یا صاحب اثر تبین شود. با بررسی موضوعات مقصور یک اثر می‌توان تکیه و حساسیت صاحب اثر را کشف کرد و به دنبال آن نگرش فکری او و حتی هم عصران وی را از طریق قصر در علم معنی به دست آورده. در نگاهی دیگر، با دقت در موضوعات تاریخی و بررسی زندگی اجتماعی شاعر یا نویسنده، می‌توان نوع مخاطبان او را تشخیص داد که نهایتاً منجر به تحلیل تفکر اجتماعی صاحب اثر می‌شود؛ علاوه بر این، اگر گر گر عاطفی، مؤلف از طریق بررسی مقاصد ثانوی جملات مقصور کشف می‌شود که بینانگر ویژگی‌های شخصیتی صاحب اثر است و می‌تواند یکی از معرف‌های روح و روان او باشد. مبحث قصر راهی دیگر برای بیک شناسی آثار ادبی است. قصه‌های ادعا علی نشان ادبی و بلاغت کلام‌اند؛ تبین تعداد مخلوقان و موافقتان صاحب اثر و وضعیت اجتماعی او را معنی می‌کند؛ تبیین بر موضوعات خاص به شکل مقصور دغدغه و حساسیت صاحبان آثار را به ما می‌شناخته. گرایش به جمله مرکب نشان از آن دارد که شاعر یا نویسنده علاوه بر قصر به کمک عوامل دیگر کلام خود را در کانون توجه قرار می‌دهد. با دقت در نوع «مقصد ثانوی» در جملات مقصور نگرش عاطفی گویش می‌گردد بنابراین این پی در پی از این قبل می‌بایست به راهنمایی از طریق جمله مقصور می‌توان جنبه مختلف فکری و ادبی صاحبان آثار را تحلیل کرد. در این مقاله طرح ارائه شده که براساس آن می‌توان از طریق مبحث قصر آثار ادبی را تحلیل کرد.
پی‌نوشت

۱. فناوتانی در پایان فصل ششم کتاب مفصل اشاره می‌کند که تمام ویژگی‌های جمله خبری، که قصر هم از آن دسته است، در جملات انشایی صدق می‌کند (۱۳۷۴: ۱۹۵). او در مختصرالمعنا این مطلب را اضافه می‌کند که خواننده باید با نور بی‌صبرت لطایف کلام را در جملات انشایی درک کند (پی‌تا: ۱۰۰).

ظاهراً مداخلت امری، پرسشی و عاطفی جملات انشایی موجب شده است که کلام مؤکد شود و عوامل تأکیدی دیگر سخن، بعنی مباحثی که در احوال مستندالی و مستند قصر طرح می‌شود، در این جملات کم تأثیر شود.

منابع

آقاولی، عبدالحسین حسامالعلما (۱۳۷۳) در دلادم در فن معنا و بیان و بیان. چاب سوم. قم: هجرت.

آهنا، علامتی (۱۳۶۰) معنا بیان. چاب دوم. تهران. برای قرآن.

امینی، محمدضا (۱۳۸۸) بازنگری مبانی علم معنا و نقد برداشت‌های رایج آن. مجله پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی. دانشگاه اصفهان. سال جهیز و پنجم. دوره جدید.

شماره سوم: ۵۹–۷۵.

تجزیل، جلیل (۱۳۷۶) معنا و بیان. چاب هشتم. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

تفناتانی، سعدالدین مسعود (۱۳۷۴) کتابالمطرین قی شرح تفسیر المفتاح. تهران: مكتبه العلمیه الإسلامیه.

تفناتانی، سعدالدین مسعود (پی‌تا) مختصرالمعنا در تفسیر المفتاح. قم: مصطفوی.

証書، نصرالله (۱۳۶۳) هنجر گفتار در فن معنا و بیان و بیان قصری. چاب دوم. اصفهان: فرهنگ‌سرا اصفهان.
جرجاني، عبدالقاهر (۱۴۲۴ ه. ق) دانش‌العلوم‌گر و عالمی که دکتری واردین‌الاودی بود.

بیرون: صیداء، مکتب الفیله، مکتب الفیله.

جهاد، لاه (۱۳۸۷ ه. ق) بررسی نظریه ارتباط کلامی یا کویسن در علم معاصر، کتاب ماه‌الدبایات.

شماره ۱۵، ۱۷۰۹: ۱۲-۱۱.

حافظ، شمس‌الدین محمد (۱۳۷۸) دیوان حافظ. به تصحیح قروینی و غنی. به اهتمام عبدالکریم جزرباز. جلد دوم. تهران: اساطیر.

خلاقانی شروتنی، افضل‌الدین (۱۳۸۷) دیوان شروتنی. به کوشش پیام‌الدین سجادی. جلد سوم. تهران: زوار.

خطب قروینی، جلال‌الدین (۱۳۸۱ ه. ق) البیاضی فی علوم البلاغه المعاصر والایمان والبداع.

فم: دیوانالکتاب الاسلامی.

رجایی، محمدعلی (۱۳۸۹) مبانی بلاغت، چانگ، تهران: دانشگاه شیراز.

رضواند (نوشید)، سعید‌الحسین (۱۳۷۷) دیوان شیرازی در برای فارسی. ثب: الیاذ.

سعید، مصالح (۱۳۸۳) بررسی، تصحیح و توضیح، دیوان. قروینی، چانگ، تهران.

خوارزمی.

سعید، مصالح‌الدین (۱۳۸۱) گلستان. تصحیح و توضیح، دیوان. قروینی. چانگ، تهران.

خوارزمی.

سکاکی، ابی يقوم يوسف (۱۳۵۸) مبانی علوم، مصر: مطبعة مصطفی الیاپی الحکیم و اولاد.

سایی عزیزی، ابوالجمد مجدوی بن آدم (۱۳۸۸) حکمتیار، تصحیح و تقصیه مدرس رضوی، تهران: دانشگاه تهران.

سیوطی شافعی، جلال‌الدین عبدالرحمن (۱۳۸۴) اпатان در علوم القرآن و انفعالات اعجاز القرآن الفاضل ابی‌یکیہ الباقی، الجزء دوم. بیرون: مکتبین الثقافی.

شمس‌السیرورس (۱۳۸۷) ابی‌یکیہ الباقی. تهران: میترا
صادقیان، محمدعلی (۱۳۸۳) طراز سخن در معانی و بیان. یزد: دریافت رساله. 
صفوی، کوروش (۱۳۸۳) از زبانیشناسی به ادبیات. ج. اول. تهران: سازمان. 
صیبادومی، اکبر (۱۳۸۵) دعای‌ها و غشایی در نظریه‌های ادبیات سنتی و 
نوین. مجله علوم اجتماعی و انسان‌شناسی دانشگاه تهران، دو دوره بیست و پنجم. شماره سوم. پاییز 
۱۳۸۵: ۱۱۷-۱۳۳.

ضیف‌خان، شوقی (۱۳۸۲) تاریخ و تطور علوم البلاغ. ترجمه محمدصری‌تکی. تهران: سمت.
عوفان، حسن (۱۳۸۲) کتاب‌ها (شرح فارسی مختصرالمعنى نفتازی). ج. دوم. تهران: هجرت.
فتوحی، محمود (۱۳۸۲) نگاهی ندیمی به مبانی نظری و روش‌های بلاغت سنتی. ادبیات. دانشگاه گیلان. شماره سوم: ۹-۳۷.
فرشی‌کرمانی، خسرو (۱۳۸۲) جمله و تحول آن در زبان فارسی. ج. اول. تهران: امیرکبیر.
فرشیدورانی، خسرو (۱۳۸۲) دریافت‌های ادبیات و لغت‌نامه. ج. اول. تهران: امیرکبیر.
فرشیدورانی، خسرو (۱۳۸۲) مسئله دست و صفت و گلفت در زبان فارسی. تهران:
سخن.
کریمی، مریم‌جنازه‌ی (۱۳۸۲) معانی زبان‌شناسی سخن پارسی. ج. اول. تهران: مرکز 
نظامی گنج‌های (۱۳۸۲) مصطلح‌های اسرار با تصحیح و حوائش و حبیب دستگردی. به کوشش سعید 
حمیدیان. ج. اول. تهران: قدفه.
هاشمی، احمد (۱۳۸۲) جواهرالبلاغت فی المعاني والبيان والبدع. ج. اول. تهران: دفتر تهیهات 
اسلامی حوزه علمیه فم.